

معلولیت، جنسیت و خشونت خانگی

photo: Wavebreakmedia//depositphotos.com

مهدیس صادقی پویا

مقدمه

خشونت خانگی، همان گونه که از عنوانش پیداست، توسط و علیه هر کسی که اتفاق بیفتد، محیط خانه و خانواده را گرفتار خود می‌کند. افراد خشونت‌گر، خشونت‌دیده و شاهدان خشونت که دو دسته آخر، از قربانیان خشونت محسوب می‌شوند، می‌توانند از هر گروه جنسی، جنسیتی، با هر گرایش جنسی، و دارای هر شرایط جسمی‌ای باشند.

تمرکز این مطلب بر خشونت خانگی علیه افراد دارای معلولیت است که امروزه از آنان، تحت عناوین «توانیاب» و «توانخواه» نیز یاد می‌شود، اگرچه که به نظر می‌رسد، استفاده از اصطلاح «افراد دارای معلولیت»، بیش از «معلول» و «دو اصطلاح یاد شده، مورد توافق و هم‌چنین پسند هود این افراد باشد. خشونت خانگی علیه افراد دارای معلولیت چیست و این خشونت چگونه و چرا در رابطه با شریک عاطفی و جنسی حادث می‌شود؟

ارتباط مستقیم معلولیت و خشونت خانگی

دیان ال اسمیت در تحقیقی که نتایجش در سال ۲۰۰۷ منتشر شد، اعلام کرد که بیش‌ترین و متنوع‌ترین خشونت‌ها علیه زنان دارای معلولیت، توسط شرکای جنسی سابق یا فعلی آنان اتفاق می‌افتد. این نتیجه، حاصل کار تحقیقاتی ام. ای یونگ و همکارانش بود که اسمیت در پژوهش خود نیز آن را به کار گرفت.

آن‌ها هم‌چنین نتایج پژوهش‌های دیگری را نیز در کار خود به کار گرفتند یا منتشر کردند که نشان می‌داد زنان دارای معلولیت، دو برابر بیش از دیگر گروه‌های جمعیتی، متحمل تمام انواع خشونت می‌شوند. این خشونت، چه خانگی باشد، چه در محیط عمومی اتفاق بیفتد، می‌تواند توسط یک شخص از خانواده و نزدیکان یا یک فرد غریبه اعمال شود.

تمام این نتایج و دیگر مشاهدات به دست آمده از پژوهش‌های دیگر، گویای آن است که میان «معلولیت» و «خشونت خانگی»، ارتباط مستقیم وجود دارد، و به وضوح، افراد دارای معلولیت، بسیار، بیش از دیگران، قربانی خشونت می‌شوند.

خشونت، جنسیت و معلولیت

امروزه، رشد سرویس‌های حمایتی و خدماتی مختص افراد دارای معلولیت، تلاش حقوق‌دانان و قانون‌گذاران به منظور افزایش مناسبات حقوقی و قانونی و قضائی در حمایت از این افراد و هم‌چنین افزایش حساسیت جامعه مدنی نسبت به وضعیت آنان که برای مدت زمان طولانی مرد غفلت قرار گرفته است، موجب شده تا مسائل مربوط به این افراد بیش از گذشته مورد بحث و مطالعه قرار گیرد. در کنار این آگاه‌سازی و آگاهی‌رسانی، و در فضای کنشگری و البته دانشگاهی که امروزه از پشت عینک «اینترسکشالیته اجتماعی» در هم تیدگی اجتماعی «به مسائل درون جامعه می‌نگرد، این معلولیت اگر مختص افراد از گروهی باشد که به اصطلاح «اقلیت جنسی و جنسیتی»، «دگرباش» و «یا» ال.جی.بی.تی «و در اصطلاح کامل‌تر انگلیسی، LGBTQIA+ نامیده می‌شوند، می‌تواند خشونت علیه آنان را نیز به واسطه این دو هویت در هم تنیده، افزون‌تر و متنوع‌تر کند.

فارغ از این که نگاه از منظر این نظریه متأخر اجتماعی، تا چه اندازه خود بازتولیدکننده هویت‌های تحت ستم، و ستم اعمال شده بر آنان خواهد بود، اما واقعیت این‌جاست که این افراد در لایه‌های عمیق‌تر و پیچیده‌تری از خشونت اجتماعی، آن را تجربه می‌کنند و به همین دلیل است که موضوع مطالعه و بررسی بیشتر قرار می‌گیرد.

واقعیت این‌جاست که افراد دارای معلولیت، اگر خود از خاستگاه‌ها و گروه‌های اجتماعی‌ای «پایین‌تر» و «محروم‌تر» باشند، خشونت را متفاوت‌تر و عمیق‌تر تجربه خواهند کرد.

هیند خلیفه و همکارانش، طی پژوهشی که در سال ۲۰۱۲ انجام داده و نتایج آن را در مقاله‌ای پیرامون خشونت علیه افراد دارای معلولیت منتشر کردند، به این نتیجه رسیدند که به طور کلی و در سراسر جهان، افراد دارای معلولیت در معرض خطر فزاینده‌ای از قربانی خشونت خانگی و عمومی شدن قرار دارند و نسبت به شرایط این افراد به سازمان‌ها و نهادهای مربوطه هشدار دادند.

سازمان بهداشت جهانی، در گزارشی تحت عنوان «گزارش جهانی معلولیت» که در سال ۱۱۰۲ منتشر کرد، اعلام کرد که بیش از یک میلیارد نفر در سراسر جهان دارای معلولیت هستند. رقمی برابر با ۵۱ درصد جمعیت کره زمین. این سازمان در همین گزارش، خشونت جسمی و جنسی را مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده سلامت افراد دارای معلولیت معرفی می‌کند.

کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل که در سال ۶۰۰۲، پیش‌نویس آن تهیه شد و در سال ۸۰۰۲ به اجرا گذاشته شد، بر عدم اعمال «استثمار، خشونت و سوءاستفاده» از این گروه تأکید ورزیده و کشورهای عضو را موظف به «انجام همه اقدامات مناسب» جهت جلوگیری از خشونت و «توان بخشی به قربانیان خشونت» ساخته است.

جمع‌بندی

اشاره به این نکته، اگرچه واضح و تکرار شده باشد، اما ضروری و نیازمندن تأکید مجدد است که معلولیت و خشونت، جنسیت ندارند. افراد دارای معلولیت که ۵۱ درصد جمعیت کره زمین را شامل می‌شوند، می‌توانند از هر نقطه طیف جنسی و جنسیتی باشند و خود را متعلق به هر گرایش جنسی‌ای بدانند؛ این افراد چه هم‌جنس‌خواه باشند، چه دگرجنس‌خواه چه هیچ‌جنس‌گرا، چه زن یا مرد یا کوئیر، به سبب معلولیت خود از هر نوع و درجه‌ای، بیش از دیگران، متحمل خشونت خانگی، توسط بستگان و خانواده خود می‌شوند. در رابطه با خشونت، و جایگاه خشونت‌گر هم، چنین بوده و افراد خشونت‌گر یا خشونت‌دیده در هر کدام از این دسته‌ها می‌توانند قرار بگیرند؛ آن چه که توجه به آن حائز اهمیت اساسی است و باید بدان توجه کرد، رابطه مستقیم خشونت‌دیدگی و معلولیت است که وجود عناصر مربوط به هویت جنسی و جنسیتی افراد نیز در تشدید یا تغییر شکل این خشونت مؤثر است. زنان و هم‌جنس‌خواهان دارای معلولیت، به این سبب، قربانیان اصلی خشونت خانگی علیه افراد دارای معلولیت محسوب می‌شوند.